

امام سجاد(ع) فرموده است که «و اما حق فرجک فحفظه مما لايحل لك و الاستعانه عليه بغض البصر؛ فانه من اعون الاعوان» اولین مساعد و یاری‌گر انسان در رعایت حق این عضو، کنترل چشم است. ما درباره تأثیرات چشم در خروج انسان از جاده حق در مورد این عضو سخن گفتیم. حضرت فرمود: مهمترین یاری‌گر و به تعبیر ایشان اعون الاعوان غض البصر است.

۲. کثرت یاد مرگ

دومین کمک کار برای انسان در این رابطه، کثرت ذکر الموت است. انسان اگر زیاد یاد مرگ باشد، این کمک می‌کند که حق فرج را رعایت کند و در مورد آن پا را از جاده حلال بیرون نگذارد و خدای نکرده در مسیر حرام قرار ندهد. مسئله مرگ یکی از مسائل بسیار مهم و در زندگی انسان است. مرگ یکی از مراحل سه‌گانه هر انسانی در طول حیات است. انسان یک بار متولد می‌شود، یا به این دنیا می‌گذارد، یک بار هم از این دنیا منتقل می‌شود به عالم برزخ و در مرحله سوم حشر و بعث او در روز قیامت، آن زمانی که انسان‌ها از قبرها برانگیخته می‌شوند.

ما اکنون مرحله اول را پشت سر گذاشتیم، دو مرحله مهم دیگر در زندگی هر یک از ما باقی مانده، موت و بعث. البته موت در واقع پایانی است، برای انسان در این دنیا و ورود به عالم دیگر، حال عالم دیگر خودش دو مرحله دارد: ۱. عالم برزخ؛ ۲. عالم قیامت. ما آن دو را الان از هم تفکیک نمی‌کنیم، خود مرگ در مقابل تولد به عنوان پایان زندگی انسان یک امر مسلم و قطعی است که در آیات قرآن کراراً به انسان یادآوری شده است. انتقال از این عالم به عالم دیگر. حال باید دید که یاد مرگ چگونه می‌تواند در کنترل این عضو و رعایت حق او اثر بگذارد؟ آنچه امام(ع) اینجا فرمودند ذکر الموت است، آن هم نه یک بار و دوبار، کثرت ذکر الموت، زیاد یاد مرگ کردن.

مرگ اندیشی، نه مرگ هراسی

قبل از اینکه در مورد یاد مرگ سخن بگوییم باید بین دو مقوله را تفکیک کنیم، یعنی این نکته را یادآوری کنم که ما یک مرگ هراسی داریم و یک مرگ اندیشی. اندیشیدن درباره مرگ یک مسئله است، ترس و هراس از مرگ یک مسئله دیگری است. مرگ هراسی مذموم است اما اندیشیدن در مورد مرگ ممدوح است. ترس از مرگ در همه انسان‌ها وجود دارد. ریشه ترس از مرگ نیز فطرت آدمی است، انسان از مرگ می‌ترسد، زیرا میل به جاودانگی دارد، انسان به هر چیزی که کمال محسوب شود، به کمال مطلق میل دارد، جاودانی و ابدی بودن مطابق فطرت آدمی است، انسان اصلاً دوست ندارد که زوال پیدا کند و از بین برود. از آن طرف از هر نقص و شری متنفر است و مرگ را نقص می‌پندارد. ولی این اشتباه است، مرگ را نیستی و نابودی می‌پندارد. ریشه مرگ هراسی به حسب واقع به فطرت آدمی بر می‌گردد، لکن از آنجا که آگاهی ندارد، در تطبیق و مصداق گرفتار اشتباه می‌شود. جمعی از اصحاب امام جواد(ع) به ایشان عرض کردند که گروهی هستند که از مرگ می‌ترسند، امام(ع) فرمود: «لأنهم جهلوه فکروه ولو عرفوه وکانوا من أولیاء الله عزوجل لأحبوه»^۱ امام فرمود علتش این است که از آن آگاهی ندارند ولی اگر آگاهی داشتند ترسی نداشتند، اگر از اولیاء خدا بودند آن را دوست داشتند. مثل کودکی که از دارو فرار می‌کند و می‌ترسد در حالی که دارو تسکین دهنده دردهای اوست.

^۱ معانی الاخبار، ص ۲۹۰.

پس باید بین مرگ اندیشی و مرگ هراسی تفکیک قائل شویم، مرگ اندیشی و مرگ آگاهی بسیار تأثیر دارد در زندگی انسان. آدم مرگ را بشناسد و بداند حقیقت مرگ چیست، خیلی اثر گذار است. انتقال از یک نشئه‌ای به نشئه دیگر، انتقال از یک عالم به عالم دیگر که نسبت آن عالم به عالم دنیا همانند نسبت دنیا به دنیایی است که جنین در شکم مادر در آن به سر می‌برد. لذا ترس از مرگ وجهی ندارد اگر انسان حقیقت مرگ را بداند و بشناسد، ترس به خودش راه نمی‌دهد. آنچه که امام سجاد اینجا بر آن تأکید می‌کند «کثرت ذکر الموت» کثرت یادآوری مرگ است که انسان به هر حال روزی از این دنیا خواهد رفت، آنگاه است که پرده‌ها کنار می‌رود، حجاب‌ها فرو می‌ریزد و انسان اعمال خودش را در برابر خودش مجسم می‌بیند. اگر نسبت به حقیقت مرگ آگاهی داشته باشد و بداند اعمال و رفتار او چه بازتاب‌هایی بعد از مرگ خواهد داشت، قطعاً دست به ارتکاب آن اعمال نخواهد زد. ما اگر بدانیم که نگاه حرام چه میوه‌ای دارد در عالم آخرت، هیچ وقت این کار را نمی‌کنیم. اگر بداند خدای نکرده کسی نسبت به این عضو و عورت، آنگونه که خدا دستور داده عمل نکند چه سرانجامی خواهد داشت، دست به این کار نمی‌زند.

اهمیت یاد مرگ

کثرت یاد مرگ یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند انسان را کنترل کند. ابوبصیر می‌گوید من به شدت گرفتار وسوسه ذهنی شده بودم، به امام صادق (ع) عرض کردم که گرفتار چنین مشکلی شدم، حضرت فرمود: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَذْكَرُ تَقَطَّعَ أَوْصَالِكَ فِي قَبْرِكَ وَ رَجُوعَ أَحْبَابِكَ عَنْكَ إِذَا دَفَنُوكَ فِي حُفْرَتِكَ وَ خُرُوجَ بَنَاتِ الْمَاءِ مِنْ مَنْخَرِيكَ وَ أَكَلَ الدُّودِ لِحْمَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُسَلِّي عَنْكَ مَا أَنْتَ فِيهِ»^۱ حضرت فرمود به قبر فکر کن، آن روزی که اعضای بدنت جدا می‌شوند، دوستانت از تو عبور می‌کنند و زمین تو را خواهد بلعید، حشرات زمین بدن تو را خواهند خورد، این فکر، تو را تسکین می‌دهد. ابو بصیر می‌گوید من هر گاه گرفتار این وسوسه‌ها می‌شدم و یاد لحظه مرگ و سرانجامی که انتظار من را می‌کشید می‌افتادم تمام اندوه دنیا در من از بین می‌رفت.

در اینکه یاد مرگ بسیار اهمیت دارد و انسان را از بسیاری از مشکلات رها می‌کند تردیدی نیست. رسول گرامی اسلام مورد سوال قرار گرفت که زیرک ترین مردم کیست؟ «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِهِ وَسَلَّمَ) أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَكْبَرُ؟ قَالَ (ص): أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَ أَشَدَّهُمْ اسْتِعْدَادًا لَهُ»^۲؛ کدام یک از مومنین زیرک ترین هستند، حضرت فرمود آنهایی که بیش از بقیه یاد مرگ هستند و بیش از بقیه آمادگی برای مرگ دارند و مهیای مرگ هستند.

در این رابطه سخن بسیار است که چقدر یاد مرگ اهمیت دارد، در مورد اهمیت یاد مرگ آنقدر سخن گفته شده که خودش یک مجموعه مفصلی از روایات است. در یک روایتی دارد که به رسول خدا عرض کردند: آیا هیچ کس با شهدا محشور می‌شود؟ «هَلْ يُحْشَرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ؟ قَالَ (ص) نَعَمْ مَنْ يَذْكَرُ الْمَوْتَ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ عَشْرِينَ مَرَّةً»؛ حضرت فرمود بله؛ کسی که یاد مرگ باشد در طول شبانه روز بیست مرتبه، اگر کسی در روز بیست مرتبه یاد مرگ باشد معلوم است که دست و پایش را جمع می‌کند و هر کاری را نمی‌کند یا هر خطایی را مرتکب نمی‌شود، دیگران را اذیت نمی‌کند، ظلم نمی‌کند. این طبیعتاً آدمی می‌شود که تمام وجودش اطاعت می‌شود و معلوم است که این با شهدا محشور می‌شود. عنایت بفرمایید آنچه اینجا اهمیت دارد مرگ اندیشی است نه مرگ هراسی. نا گفته نماند که یاد مرگ به این معنا نیست که انسان بی‌حوصله شود، بی‌رمق باشد، بی‌انگیزه باشد، زیرا معمولاً می‌گویند

^۱ کافی، ج ۳، ص ۲۵۵.

^۲ بحار، ج ۶، ص ۱۲۶.

حالا که می‌خواهم بمیرم چه فایده‌ای دارد، چرا من که می‌خواهم بمیرم کار کنم، تلاش کنم؟ نه، برای همین است که می‌گویم مرگ اندیشی نه مرگ هراسی؛ انسان باید یاد مرگ باشد ولی با انگیزه هم باید زندگی کند.

«والحمد لله رب العالمین»